

مهارت های شهروندی

بهروز عسگری^۱، مسعود رضایی^۲

^۱ فارغ التحصیل کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه شهید مدرس ایلام (نویسنده مسئول)

^۲ فارغ التحصیل کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه شهید مدرس ایلام

چکیده

با توجه به این که هر جامعه ای با عنایت زمینه های فرهنگی و ارزشی خود شهروندان خاص با خصوصیات ویژه پرورش می دهد، و این امر ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه هر کشوری می باشد؛ لذا باید آموزش شهروندی حساب شده ای برای تمام اقشار جامعه به طور وسیع در نظر گرفت. مهارت های شهروندی سرمایه گذاری برای آینده مورد نظر کشور در تمامی ابعاد است. مقاله حاضر از نوع کتابخانه ای-مروری می باشد با توجه به نظرات صاحب نظران و اندیشمندان نگاشته شده است. هدف از نگاشتن این مقاله لزوم آگاهی بیشتر و حساسیت بیشتر نسبت به مهارت های شهروندی و آموزش این مهارت ها است. نتایج این مقاله نشان می دهد که مهارت های شهروندی تأثیری زیادی در شهروندان و به طور کلی جامعه ی انسانی دارد که این امر خود لزوم توجه را در بر دارد.

واژه های کلیدی: زمینه های فرهنگی، مهارت، شهروندی، مهاجرت، رشد اقتصادی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

انسان موجودی متفکر است که نه به دلیل حوادثی که برایش اتفاق می افتد بلکه به دلیل نحوه و نوع نگرش نسبت به قضاها، مسائل، مشکلات و حوادثی که با آن روبرو می شود، سلامت جسمانی و روانی خود را تحت تاثیر قرار می دهد. یکی از ویژگی های بارز شخصیتی وجود خوش بینی و یا بعد متقابل آن بدبینی است.

از جمله منابع درونی و بیرونی که می توان آن را در برنامه بهداشتی جهت حفظ سلامتی و جلوگیری از ناخوشایندی و مقابله شرایط استرس زا گنجانده، مهارت های شهروندی می باشد. مفهوم شهروندی اگرچه دارای تاریخ طولانی است اما هنوز هم مبهم و مسئله دار است یونگ استدلال می کند که شهروندی در حقیقت مجموعه ای از ارتباطات عمده بین مردم است یعنی حالتی که «حالت طبیعی» که می خواهند از زندگی بصورت منزوی، فقیرانه و حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند (جوکار، ۱۳۹۱).

تعاریف متعددی برای شهروندی بیان شده است. شهروندی مجموعه به هم پیوسته ای از وظایف، تکالیف، مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی برابر و یکسان است. شهروندی فعال شامل مشارکت فعال و آگاهانه برای حفظ و ایفای موثر حقوق و وظایف فردی و اجتماعی است و این امر به ویژه برای زندگی پویا در جهان پر از تغییر و چالش امروز، ضرورتی اساسی محسوب می شود (بیدختی و صالحی پور، ۱۳۸۶).

بیان مسئله

قرن بیست و یکم روانشناسی متوجه این امر شده است که انسان باید انرژی عقلانی خود را صرف جنبه های مثبت تجربه اش کند (سلیگمن و سیگنر - میهالی ۲۰۰۰؛ به نقل از شریفی و سعیدی، ۱۳۹۴). از مفاهیم اساسی در روانشناسی مثبت، جهت گیری زندگی می باشد که نگرش خوش بینانه و بدبینانه افراد را در زندگی مورد بررسی قرار می دهد (لوتانز، یوسف و اولیو، ۲۰۰۷، به نقل از نوروزی و مومنی، ۱۳۹۱). تلقی خوشبینانه و تلقی بدبینانه به طور مثبت و منفی دو طیف جهت گیری زندگی هستند که جزء کیفیت های اساسی شخصیت به شمار می روند و بر چگونگی سازگاری افراد با حوادث زندگی، انتظارات ذهنی افراد در هنگام مواجهه با مشکلات و رفتار آنها هنگام غلبه بر مشکلات تأثیر می گذارد (موسوی نسب، تقوی و محمدی، ۱۳۸۵).

اگر ادراکات عادی انسان با یک مفهوم مثبت از خود و کنترل شخصی و یک دیدگاه خوشبینانه حتی کاذب در مورد آینده همراه شود، نه تنها در اداره زندگی روزانه، بلکه در کنار آمدن با حوادث بسیار استرس زا و تهدید زای زندگی به افراد کمک می رساند (تایلر، کمنی، رید، بوور و گروه ۲۰۰۰).

پژوهش ها همچنین نشان داده است که خوش بینی و مثبت گرایی در مقابله با فشارهای زندگی و ، غلبه بر ناملایمات روانی - اجتماعی در اقدام به رفتارهای مرتبط با سلامت، اصلاح سبک زندگی و در، نهایت کاهش بروز بیماری های جسمانی و روانشناختی تأثیر مهمی دارد (رابرتس، گیسون، جرارد و آلت ۲۰۱۱). افراد خوش بین نسبت به افراد بدبین اجتماعی ترند، بیشتر ورزش می کنند، از مهارت های بین فردی مطلوب تری برخوردارند (مرکولا و جوزف، ۲۰۰۲). امروزه در شرایطی از زندگی اجتماعی به سر می بریم که داشتن مهارت های تعامل یا اجتماعی از ضروریات بشمار می رود. در دنیای پیچیده امروز که ابزار های تعامل و ارتباط تغییراتی شگرف یافته اند داشتن دانش و توانش استفاده از این ابزارها نیازمند کسب مهارت های شهروندی است (قلتاش، صالحی و محمدجانی، ۱۳۹۲).

شهروندی به عنوان رویکردی که به انواع حقوق انسانی در جامعه اشاره می کند، تعامل بین فرد و جامعه را جهت می دهد، تعریف شده است (اسلر و سترکی، ۲۰۰۵).

همچنین، به فرایندی اشاره دارد که طی آن مشارکت آگاهانه فرد در فعل و انفعالات جامعه را جهت می دهد (مک دونالد، ۱۹۹۴؛ به نقل از قلناتاش، ۱۳۹۲). هم چنین شهروندی به احقاق احترام به حقوق فردی به وسیله دولت اشاره دارد (ماکدو، ۲۰۰۰). تربیت شهروندی به ترتیبی گفته می شود که به توسعه و پرورش قابلیت ها و توانمندی های شهروندی منجر می

شود. چنین تربیتی الزاما در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع و ملت های خاص قابل درک است زیرا در هر جامعه ارزش ها و طرز تلقی ها و بینش ها و مهارت ها همواره الگوها و روش های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکلی ویژه اخ منتقل می شود و در فلسفه تاسیس نظام های تربیتی پرورش چنین شهروندانی می باشد (چامبلیس، ۱۹۹۷)؛ به نقل از محمدجانی و همکاران، ۱۳۹۲).

مهارت شهروندی

میشل سدلر، یکی از نظریه پردازان صاحب نام آموزش و پرورش تطبیقی، بر این باور است که نظام آموزش شهروندی در هر کشوری متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فنی و اقتصادی است که هر یک از این ها به نوبه خود، در شکل دادن آموزش های شهروندی نقش حیاتی ایفا می کنند. سدلر به این نکته اشاره می کند که نمی توان تربیت شهروندان یک جامعه را به طور انتزاعی و در حوزه نفوذ فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت و مجموعه منسجمی از عقاید و آرای تربیتی غالب در آن جامعه رابه محک بررسی زد. به سخن دیگر، این آموزشگر فرانسوی اعتقاد دارد که اهداف، روش و محتوای آموزش های شهروندی در هر جامعه با نهادهای جامعه از جمله سیاست، اقتصاد، مذهب و به خصوص با بنیاد های فکری و اندیشه های تربیتی متعلق به آن جامعه رابطه تنگاتنگ دارد که او آن را یک «رابطه دیالکتی» می نامد (قدم پرور و همکاران، ۱۳۹۰).

دایره المعارف انگلیسی فلسفه تعلیم و تربیت در تعریف مهارت های شهروندی می نویسد: مهارت های شهروندی به آموزش هایی گفته می شود که به توسعه شهروندی یا توانمندی های شهری مربوط می شود و اهداف آن الزاما در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع و ملت های خاص فهمیده می شود، زیرا آن ها دانش و طرز تلقی ها، ارزش ها و مهارت های همراه با مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی را انتقال می دهند، هم چنین در تعریف دیگری این دایره المعارف مهارت های شهروندی را تربیتی می داند که به مقررات صریح جوامع جهت تلقین ارزش های مدنی از طریق تعلیم و تربیت رسمی اشاره دارد (شاه طلبی و همکاران، ۱۳۸۹).

اینک به تعریف دیگر مهارت های شهروندی از امیل دورکیم، استاد جامعه شناسی تربیتی و تاریخ فرهنگ و تربیت فرانسه می پردازیم. این محقق عالی رتبه تعلیم و تربیت در کتاب معروف خویش با عنوان جامعه شناسی تربیتی و تاریخ فرهنگ و تربیت در اروپا و آموزش شهروندی را از طریق اکتساب دانش، مهارت ها و ارزش های منتقل شده از نسل های بزرگسال به نسل های نرسیده و ناپخته برای زندگی اجتماعی تلقی می کند. او بر این باور است که مجموعه خصلت های آموزشی که برای تربیت شهروندان در جوامع مختلف اولاً در دوره های مختلف از نظر اهداف، فلسفه، روش و محتوا متفاوت است؛ ثانیاً این گونه تربیت با توجه به ساختار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هر جامعه صورت می پذیرد و برنامه ریز آن باید به دست نوابغ و صاحب نظران در عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد صورت پذیرد.

او مهارت و صلاحیت های لازم برای اعمال شهروندی را به ویژه در حیات ممالک اروپایی غربی (فرانسه، آلمان؛ بلژیک، سوئیس و...) از طریق ارائه مطلوب موضوعاتی در کلیه دروس مدارس و در مقطع تحصیلی ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی توصیه می کند و برای آموزش های مدنی و اخلاقی و پرورش روحیه مشارکت جویی که فرد شهروند را برای زندگی در جامعه آماده می سازد، به عنوان موضوعات بین رشته اخ در همه درس های مدارس و کانون های آموزشی اولویت خاص قائل است و تاکید دارد که آموزش شهروندی را در درس های ملموس و عینی مدرسه باید به گونه اخ گنجانند که فرد شهروند پس از آن آموزش ها بتواند با الزامات و نیازها زندگی در جهان فردا همسازی داشته باشد؛ و اهم این توانایی را چنین رده بندی می کند:

۱. توانایی در برخورد منطقی و سنجیده در جهت حل و فصل رضایت بخش معضلات و دشواری ها
۲. توانایی در کار کردن با دیگران به صورت همکاری و پذیرفتن مسئولیت های اجتماعی خویش
۳. توانایی درک و تفاهم و تحمل تفاوت های فرهنگی
۴. توانایی تفکر انتقادی در سامان بخشی و سازندگی
۵. توانایی حل تعارضات خود با دیگران با روش های مسالمت آمیز

۶. توانایی درک حقوق بشر و دفاع از آن، چه در جامعه خویش و چه در جامعه بین المللی
۷. توانایی درک و شناسایی هنجارهای فرهنگی خود در جهت غنی تر ساختن و توسعه فرهنگ بومی و قومی
۸. توانایی در نظم پذیری جمعی و بهره گیری از نگرش علمی از باورهای فرهنگی جامعه خود و جوامع دیگر.

به طور کلی جوهره مفهوم مهارت های شهروندی عبارت است از تربیت افراد به نحوی که بتوانند در شکل گیری و یا برقراری توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت های در جامعه نقش بازی کنند. به عبارت دیگر مهارت های شهروندی مستلزم آن است که دانش ها، گرایش ها و قابلیت هایی در افراد فراهم آید که از سویی مایه استواری و استحکام اقتدار دولت از طریق قانون در جامعه باشد و از سوی دیگر این امکان را در افراد جامعه به وجود آورد که اقتدار طلبی های ناموجه از سوی دولت را بازشناسایی کنند و بتوانند آن را مورد نظر و ارزیابی قرار دهند و در صورت لزوم در برابر آن عملاً مقاومت کنند.

در تعریف دیگری از مهارت های شهروندی آمده است: مهارت های شهروندی شبکه اخ از فرآیندهای به هم مرتبط نهادهایی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به پرورش اعضای جامعه مدنی می پردازند و به همین علت مهارت های شهروندی به لحاظ ماهیتی به شدت از مفهوم جامعه مدنی متأثر است. در این تعریف، مهم ترین دغدغه و هدف آموزش شهروندی تقویت جامعه مدنی و حفظ روحیه مردم سالاری در مردم است. به هر حال بسیاری از معلمان علاقمندند که بدانند چگونه می توانند دانش آموزان خود را متعهد به انجام تمرین های معنادار مثل ابراز عقیده کردن، با صدای بلند صحبت کردن، سوال کردن، دفاع از موضوع خود راجع به موضوع مورد بحث و گوش دادن به صحبت دانش آموزان دیگر کنند. پرورش چنین رفتارهایی در دانش آموزان مدارس رسمی را اغلب تعلیم و تربیت مردم سالارانه می گویند (قدم پرور و همکاران، ۱۳۹۰).

در سال ۱۹۹۴، انجمن بین المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به انجام پژوهش تطبیقی با عنوان ویژگیهای متفاوت و مشترک آموزش شهروندی در ۲۴ کشور جهان پرداخت. محققان این پژوهش در پایان بررسی های خویش، یک شیوه مطلوب تر برای مفهومی کردن کلیه رویکردهای آموزشی شهروندی بر مبنای اهداف و مقاصد در نظر گرفته شده برای این گونه آموزش ها مطرح می کنند که شامل سه هدف کلی به شرح زیر است:

آموزش درباره شهروندی^۱

آموزش از طریق شهروندی^۲

آموزش به منظور شهروندی^۳

آموزش درباره شهروندی برای آماده کردن دانش آموزان و افراد از نظر دانش کافی و درک تاریخ ملی وساختارهای زندگی سیاسی و مدنی متمرکز است. آموزش از طریق شهروندی مستلزم یادگیری دانش آموزان و افراد از طریق انجام فعالیت های کاملاً فعال تجربه های مشارکتی در مدرسه یا جامعه محلی و فراتر از آن است. این یادگیری عنصر دانش را تقویت می کند. آموزش به منظور شهروندی، جدا از این که دو رویه مذکور را در بردارد، افراد و دانش آموزان را به یکسری از ابزارها (شامل دامنه، درک مهارت ها و نگرش ها، ارزش ها و گرایش ها) مجهز می کند و آن ها را قادر می سازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در نقش ها و مسئولیت هایی که در زندگی بزرگسالی با آن روبه رو خواهند شد، داشته باشند. این رویه، آموزش شهروندی را با کل تجربه آموزش دانش آموزان پیوند می دهد.

^۱ International Association for the Evaluation of Educational Achievement

^۲ Education about Citizenship

^۳ Education through Citizenship

دلایل توجه به مهارت های شهروندی

مهاجرت

یکی از مهم ترین عوامل توسعه مبحث مهارت های شهروندی، مهاجرت توده مردم می باشد، زیرا در چنین حالتی یکی از مهم ترین نگرانی کشورهای مهاجر پذیر، توسعه و پرورش حس وفاداری ملی و وطن پرستی در مهاجران است. این مسئله به شدت بر نظام آموزشی کشور آمریکا اثر گذاشته است (به نقل از طالب زاده نوبریان، ۱۳۹۱).

رشد سریع اقتصادی

یکی از عوامل تعیین کننده توجه به آموزش شهروندی، ضرورت آماده سازی بسترهای لازم برای رشد اقتصادی است. بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهایی چون آلمان، ژاپن این روند آغاز شده است و در کشورهای آسیایی (به ویژه جنوب شرقی آسیا) و نیز آمریکای لاتین در دهه گذشته به منظور دستیابی به رشد اقتصادی بیشتر، طرح ها و برنامه های متنوعی برای جایگزینی ارزش های متناسب با دموکراسی صنعتی و حذف ارزش های سنتی آغاز شده است و برای حصول به این مقصود، مقوله آموزش شهروندی به طور جدی مد نظر قرار گرفته است. با این همه دستیابی به رشد اقتصادی سریع تر، یکی از عوامل اساسی توجه به مهارت های شهروندی می باشد.

تحولات سیاسی

سومین عامل موثر، تحولات سیاسی است که در جوامع مختلف به وقوع می پیوندد. نظام های سیاسی و حکومتی دستخوش تغییر و تحولات بنیادی یا اصلاحی می گردند و احزاب و گروه های مختلف در عرصه منازعه سیاسی و دستیابی به قدرت توجهی ژرف به منافع و خواست عمومی مبذول می دارند. در این فرایند برای دستیابی به اهداف و آرمان های اجتماعی، مهارت های شهروندی همواره یک برنامه بلند مدت و در عین حال موثر به شمار می رود (فالكس؛ ترجمه دلفروز، ۱۳۹۰)

گسترش ارتباطات

گسترش رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی یکی دیگر از دلایل اصلی توجه به مهارت های شهروندی در بسیاری از کشورهای جهان به شمار می رود. برخلاف گذشته هم اکنون در جهانی به سر می بریم که استعاره «دهکده جهانی» را برای آن به کار می برند. ملت ها و مردم در جوامع گوناگون از طریق وسایل ارتباطی متعددی چون تلفن، اینترنت و ماهواره به یکدیگر دسترسی سریع دارند و پیشرفت فزاینده وسایل حمل و نقل، امکان مشارکت گسترده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم آورده است.

مولفه های مهارت شهروندی

انواع رفتار شهروندی در سازمان از نظر گراهام مولف (۱۹۹۱) معتقد است که رفتارهای شهروندی در سازمان سه نوع اند:

۱. اطلاعات سازمانی: این واژه توصیف کننده رفتارهایی است که ضرورت و مطلوبیتشان شناسایی و در ساختار معقولی از نظم و مقررات پذیرفته شده اند. شاخص های اطلاعات سازمانی رفتارهایی نظیر احترام به قوانین سازمانی، انجام وظایف به طور کامل، و انجام دادن مسئولیت ها با توجه به منابع سازمانی است.

۲. وفاداری سازمانی: این وفاداری به سازمان از وفاداری به خود، سایر افراد و واحدها و بخش های سازمانی متفاوت است و بیان کننده فداکاری کارکنان در راه منافع سازمانی و حمایت و دفاع از سازمان است.

۳. مشارکت سازمانی: این واژه با درگیر بودن در اداره سازمان حضور می یابد که از آن جمله می توان به حضور در جلسات، به اشتراک گذاشتن عقاید خود با دیگران و آگاهی به مسائل جاری سازمان، اشاره کرد.

گراهام با انجام این دسته بندی از رفتار شهروندی، معتقد است که این رفتارها مستقیماً تحت تاثیر حقوقی قرار دارد که از طرف سازمان به فرد داده می شود. در این چارچوب حقوق مدنی سازمانی عدالت استخدامی، ارزیابی و رسیدگی به شکایت کارکنان است. بر این اساس وقتی که کارکنان می بینند که دارای حقوق شهروندی سازمانی هستند به احتمال زیاد از خود، رفتار مدنی (از نوع اطاعت) نشان می دهند. در بعد دیگر حقوقی یعنی تاثیر حقوق اجتماعی سازمان (که در بر گیرنده رفتارهای منصفانه با کارکنان نظیر افزایش حقوق و مزایا و موقعیت های اجتماعی است) بر رفتار کارکنان نیز قضیه به همین صورت است. کارکنان وقتی می بینند که دارای حقوق اجتماعی سازمانی هستند به سازمان وفادار خواهند بود و رفتار شهروندی (از نوع وفاداری) از خود بروز می دهند و سرانجام وقتی که کارکنان می بینند به حقوق سیاسی آن ها در سازمان احترام گذاشته می شود و به آن ها حق مشارکت و تصمیم گیری در حوزه های سیاست گذاری سازمان داده می شود، باز هم رفتار مدنی (از نوع مشارکت) از خود نشان می دهند (اسلامی و سیار، ۱۳۸۶).

بورمن و موتو ویدلو پنج نوع مهارت های شهروندی را مطرح نموده اند:

۱. اصرار توأم با اشتیاق و تلاش اضافی که جهت تمام کردن موفقیت آمیز فعالیت های شغلی فرد لازم است.

۲. داوطلب شدن جهت انجام فعالیت شغلی که به صورت رسمی جزء وظایف فرد نیستند.

۳. یاری رساندن و همکاری با دیگران

۴. پیروی کردن از قوانین و رویه های سازمانی

۵. تایید، حمایت و دفاع از اهداف سازمانی (روجلبرگ، ۲۰۰۷).

ارگان نیز پنج بعد مهارت شهروندی را این گونه بیان می دارد:

۱. وظیفه شناسی

۲. نوع دوستی

۳. فضیلت شهروندی (شرافت شهروندی)

۴. مردانگی

۵. ادب و مهربانی

بعد وظیفه شناسی نمونه های مختلفی را در بر می گیرد و در آن اعضای سازمان رفتارهای خاصی را انجام می دهند که فراتر از حداقل سطح وظیفه اخ مورد نیاز برای انجام آن کار است. ارگان هم چنین معتقد است افرادی که دارای رفتار شهروندی مترقی هستند در بدترین شرایط و حتی در حالت بیماری و ناتوانی هم به کار ادامه می دهند، که این نشان دهنده وظیفه شناسی بالای آن هاست. دومین بعد رفتار شهروندی یعنی نوع دوستی به رفتارهای مفید و سود بخشی از قبیل ایجاد صمیمیت، همدلی و دلسوزی میان همکاران اشاره دارد که خواه به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم به کارکنانی که دارای مشکلات کاری هستند کمک می کند. البته برخی از صاحب نظران رفتار شهروندی مانند پودساکف، ابعاد نوع دوستی و وظیفه شناسی را در یک طبقه قرار می دهند و از آن ها به عنوان «رفتار کمکی» نام می برند (اسلامی و سیار، ۱۳۸۶).

بعد سوم رفتار شهروندی فضیلت شهروندی نام دارد. شامل رفتارهایی از قبیل حضور در فعالیتهای فوق برنامه و اضافی، آن هم زمانی که این حضور لازم نباشد، حمایت از توسعه و تغییرات ارائه شده توسط مدیران سازمان و تمایل به مطالعه کتاب، مجلات و افزایش اطلاعات عمومی و اهمیت دادن به نصب پوستر و اطلاعیه در سازمان برای آگاهی دیگران، می شود. بر این اساس گراهام معتقد است که یک شهروند سازمانی خوب نه تنها باید از مباحث روز سازمان آگاه باشد بلکه باید درباره آن ها اظهار نظر کند و در حل آن ها نیز مشارکت فعالانه داشته باشد. مردانگی با تحمل پذیری چهارمین بعد رفتار شهروندی است که به شکیبایی در برابر موقعیت های مطلوب و مساعد، بدون اعتراض نارضایتی و گلایه مندی، اشاره می کند و آخرین بعد رفتار شهروندی سازمان ادب و مهربانی است. این بعد بیان کننده نحوه رفتار افراد با همکاران، سرپرستان و مخاطبان سازمان است.

افرادی که در سازمان با احترام و تکریم با دیگران رفتار می کنند دارای رفتار شهروندی مترقی هستند. ارگان بعد از برشمردن این ابعاد، یادآوری می کند که هر پنج بعد رفتار شهروندی ممکن است همزمان ظهور پیدا نکنند، مثلاً افرادی که ما فکر میکنیم دارای بعد وظیفه شناسی هستند ممکن است همیشه نوع دوست و فداکار نباشند و یا این که برخی از این ابعاد، مانند نوع دوستی و وظیفه شناسی تاکتیکی برای تحت فشار قرار دادن مدیران سازمان باشد. یعنی کارکنان سعی میکنند تا با انجام این اعمال بر روند تصمیمگیری مدیران سازمان برای ارتقاء و یا اعطای پاداش به آن ها تأثیرگذارند. در این حالت کارکنان سازمان از «سرباز خوب» به «هنرپیشه خوب» برای سازمان تبدیل می شود (اسلامی و سیار، ۱۳۸۶).

دیدگاه های مهارت های شهروندی

دیدگاه انتقادی

نظریه انتقادی اساساً ریشه در اندیشه های مارکس دارد. تحلیل مارکس از مبارزه طبقاتی بر سر کنترل ابزارها و شیوه های تولید اقتصادی برای مفهوم نظریه تعارض که مضمون محوری نظریه انتقادی است، پر اهمیت است. اما نظریه پردازان از طرفی با میراث دیکتاتوری یک حزبی کمونیسم دولتی که تحقق عملی آن در دولت لنین و استالین نمود یافت مرتبط نبوده اند و گاهی با آن ها مخالف بوده اند (قدم پور، ۱۳۹۰). مارکس بر این باور بود که تضاد بین طبقه کارگر و سرمایه دار نهایتاً منجر به یک انقلاب عظیم اجتماعی می گردد و به واسطه آن طبقه کارگر قدرت را به دست می گیرد. علاوه بر این اعتقاد داشت که انسان در نظام سرمایه داری ویژگی یا خصیصه از خود بیگانه شدن ۱ را تجربه می نماید و این عیب اساسی برای نظام سرمایه داری است و لذا بایستی نظام سرمایه داری از بین برود و نظام بهتری که احتمالاً نظام سوسیالیستی یا کمونیستی است جایگزین آن شود. مارکس هم چنین بر این باور بود که انسان ماهیت اجتماعی نیز دارد و مناسبات اجتماعی، ماهیت او را شکل می بخشد، یا به عبارتی زیست اجتماعی انسان ها ماهیت و شعور آنها را به گونه اخ تعیین می نماید.

دیدگاه شهروند فرهنگی

در شهروند فرهنگی با مجموعه اخ از هنجارها و ارزش هایی رو به رو شده که انعطاف پذیری بسیاری دارند؛ که این امر ناشی از وجود تفاوت ها و تنوعات فرهنگ شهروندی یا خرده فرهنگ های شهری شکل می گیرد؛ این مسئله باعث این شده که روش شناسی مطالعه شهروند فرهنگی با نوعی تطبیق که امکان مقایسه بین تفاوت ها و تنوعات شهروند فرهنگی یک شهر را بیان می کند، بیانگر این است که فرهنگ امری شهروندی است که از یک فرد تا مجموع بزرگی از گروه های جامعه که به طور نسبی قابل بررسی است را مطالعه می کند. از نظر ترنر شهروندی فرهنگی « به مشارکت فرهنگی افراد در جامعه مربوط می شود. و شهروند فرهنگی کسی است که خود را نسبت به مشارکت در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه مسئول بداند» (وزیری و جهادی، ۱۳۸۵).

شهروند کیست؟ و شهروند یعنی چه؟

شهروند کسی است که با هم نوع خود زندگی می کند و از طریق دولت حمایت می شود. از حقوق اجتماعی برخوردار است و وظیفه اجتماعی انجام می دهد. شهروند انسان آزاد و مختاری است که فقط در میان یک جمع زندگی نمی کند بلکه با آن ها جامعه اخ را تشکیل می دهد که انواع روابط و پیوند، آن ها را به یکدیگر متصل می کند. آن ها به واسطه همین زندگی اجتماعی خلق و خوی خاصی را پیدا می کنند که تا حدودی تحت تاثیر طبیعت و شرایط اجتماعی منطقه مورد نظر است. زندگی اجتماعی و فواید آن ناشی از نافرمانی یا شورش مدنی علیه ساز و کارهای اجباری است. اما اگر شهروندان از حقوق شهروندی محروم باشند حق نافرمانی از حاکمان و نه نقض اصول مدنیت را پیدا می کنند. شهروندی راه های زندگی کردن شهروندان با یکدیگر است. شهروندی توانایی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می کند. بنابراین شهروندی افراد از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا هویتشان تعیین نمی شود (علی ضیایی، ۱۳۸۱).

باید دانست که شهروندی با احیای مسئولیت همراه است و حس شهروندی در عمیق ترین معنای خودداری دو جنبه مهم است:

- الف) جنبه مهمی از مسئولیت شهروندی، داشتن شرافت کاری است که بدون آن مدنیت پیشرفته اخ حاصل نمی شود.
ب) مسئولیت مدنی در جایی امکان می یابد که جامعه مدنی به معنای واقعی مستقر شده باشد اما جامعه مدنی نمی تواند بدون تلاش شهروندان برخوردار از حس مسئولیت قوی برپا می گردد (نیکفر، ۱۳۷۸).

ویژگی های شهروند

محمدی از ویژگی هایی که یک شهروند باید داشته باشد چنین نقل می کند:

۱. شهروندان دارای خوی همکاری و خودگردانی می باشند و ضمن حفظ هویت های خاص خود عضویتشان در دیگر هویت های جمعی را نیز حفظ می کنند و برای تحقق این هدف با تشکیل انجمن های مختلف، منافع شخصی و عمومی را پیوند می دهند.
۲. شهروندان دارای نقش های تفکیک شده می باشند و از حقوق، اختیارات و مسئولیت های این نقش آگاهند و آن را مطالبه می نمایند.
۳. شهروند در امور عمومی جامعه مشارکت می کند. در واقع شهروندان در امور مختلف از نگهداری از امکانات عمومی و حفظ منابع طبیعی تا تعمیر مدرسه محل و آسفالت خیابان خود احساس مسئولیت می کنند.
۴. شهروندان با تشکیل نهادهای مستقل از دولت به نظارت و مشارکت در تصمیم گیری های دولتی و اجرای آن ها می پردازند.
۵. شهروند در امور جامعه معتقد است و عقاید سنجیده اخ دارد. اما فضیلت اصلی یک شهروند اعتدال و انصاف در قضاوت و انتقاد است. یعنی یک شهروند در عین حال که نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به باد انتقاد می گیرد اما اگر همین نهادها در معرفی تهدید واقع شوند از آن ها دفاع می کند.
۶. شهروند، دیگران را به مقایسه یک شهروند برابر با خود تلقی می کردند و می پذیرد که ارزش و اعتبار و هویت آن شهروند برابر با هویت خود اوست.
۷. حق مشارکت و سهم بودن در باطن یک شهروند به عنوان یک ضرورت وجود دارد نه به عنوان یک حس دلپذیر (لطف آبادی، ۱۳۸۵).

ویژگی ها و صلاحیت های مطلوب شهروندی برای جامعه ایران

یک شهروند مطلوب برای جامعه ایران در سه حیطه با قلمروهای خاص و دارای صلاحیت های معین می باشد که عبارتند از: -شناخت مدنی^۴: و آن عبارت است از مجموعه اخ از دیدگاه ها، اطلاعات، درک و فهم مدنی که مولفه های آن عبارتند از: آگاهی از به دست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه عملکرد دولت، آگاهی از دیدگاه های احزاب عمده کشور، آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حقوق شخصی و بین المللی. توانایی مدنی^۵: که عبارت است از مجموعه مهارت ها، قابلیت ها و توانمندی هایی که هر فرد برای زیست در جامعه اخ که در آن زندگی می کند، به آن ها نیاز دارد و مولفه های آن عبارتند از: توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکا به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیم منطقی و توانایی رفتار براساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب.

^۴ International Association for the Evaluation of Education Achievement (IEA)

^۵ (Krajnic .)

نگرش مدنی^۶: که عبارت است از مجموعه طرز تلقی ها، باورها و دیدگاه هایی که برای یک شهروند خوب ضروری است و مولفه های آن عبارتند از: پیدایش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، داشتن اعتقادات و باورهای مستقل، داشتن روحیه مسئولیت پذیری، بودن حس وطن دوستی، داشتن روحیه بردباری و تحمل، داشتن روحیه انتقادپذیری، دارا بودن روحیه قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت مذهبی و ملی (فالکس؛ ترجمه دلفروز، ۱۳۹۰).

نتیجه گیری

همان طور که گفته شد مهارت های شهروندی در هر جامعه تا حد زیادی تابع فرهنگ، تاریخ، حکومت و شیوه اداره آن کشور به طور کلی فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه است. مقوله مهارت های شهروندی با آموزش ارزش ها به شدت گره خورده است و رموز پیچیدگی های موجود در ارزش های حاکم بر هر جامعه اخ تصویری متفاوت به شهروندان و صلاحیت های ضروری آنان می دهد. این چگونگی در بررسی ها و مطالعات انجام شده به وضوح قابل مشاهده است برای مثال، در برخی از کشورهای جهان سوم، فهرستی از اهداف مهم مهارت های شهروندی تدوین شده است و در آن ها تلاش شده است تا با فروگذاری تفاوت ها، ویژگی های مهم شهروندان به تصویر کشیده شود. لذا در هر جامعه ای باید به فروگذار مهارت های شهروندی و روش آموزش آن اهمیت داده شود و در اجرای این امر از کمکی دریغ نمود زیرا این مهارت ها عامل سعادت یا شقاوت یک جامعه را رقم می زند

منابع و مراجع

- اسلامی، حسین، سیار، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). رفتار شهروندی سازمانی. ماهنامه علمی آموزشی تدبیر (۱۲)، ۳۸-۴۶
- این بیدختی، علی اکبر، صالح پور، معصومه، (۱۳۸۶)، رابطه رضایت شغلی با تعهد سازمانی در کارکنان آموزش و پرورش، دوماهنامه دانشور رفتار، ۳۱-۳۸: (۲۶) ۱۴
- جوکار، مرتضی. (۱۳۹۱). تاثیر روش تدریس مشارکتی بر مهارت های شهروندی و بهداشتی روانی دانش آموزان مقطع متوسطه ی شهر مرودشت. کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- شاه طالبی، بدری، قلی زاده، آذر، شریفی، سعید. (۱۳۸۹). تدوین مولفه های فرهنگ شهروندی در حیطه های هویت ملی و جهانی. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۷۳-۹۶: (۲)
- شریفی، کبیر، سعیدی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). پیش بینی بهزیستی روان شناختی بر اساس جهت گیری زندگی و خوشبینی. رویش روانشناسی، ۴: (۱۰).
- طالب زاده نوبریان، محسن. (۱۳۹۱). نقش برنامه درسی علوم اجتماعی در پرورش مهارت های شهروندی. مجله راهبردهای آموزشی، ۱۶۳-۱۶۹: (۳)
- علی ضیا، مرتضی. (۱۳۸۱). مشارکت و شناخت در تصمیم گیری ها. همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران
- قدم پور، عزت اله، مهرداد، حسین، جعفری، حسنعلی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی ها شخصیت و هوش فرهنگی کارمندان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۸۱-۱۰۱: (۱)
- قلتاش، عباس. (۱۳۹۲). تربیت شهروندی (رویکردها، چشم انداز، برنامه درسی). تهران: یادوار کتاب.
- قلتاش، عباس، صالحی، مسلم، محمدجانی، صدیقه. (۱۳۹۲). بررسی میزان برخورداری دانش آموزان دختر پایه سوم متوسطه از مهارت شهروندی. فصلنامه زن و جامعه ۱۰۷-۱۲۴: (۱۵)

^۶ Out of school activates

- لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۵). آموزش و پرورش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان. نوآوری های آموزش. ۱۱-۴۴: (۱۷)
- محمدجانی، صدیقه. (۱۳۹۰). میزان برخورداری کتب مطالعات اجتماعی و دانش آموزان دختر پایه سوم متوسطه نظری ناحیه ۴ شهر شیراز از مهارتهای شهروندی. کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت
- موسوی نسب، محمد، تقوی، محمدرضا، محمدی، نوراله. (۱۳۸۵). خوشبینی و ارزیابی استرس: بررسی دو مدل نظری در پیش بینی سازگاری روانشناختی. مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۱۲۰-۱۱۱: (۲)
- نوروزی، اکرم، مومنی یانسری، عیسی. (۱۳۹۱). خودکارآمدی عمومی، امید به زندگی و جهت گیری زندگی در زنان سالمند بهره مند از آموزش. فصلنامه روانشناسی معاصر، ۴ (۲).
- نیکفر، محمدرضا. (۱۳۸۷). خشونت، حقوق بشری، جامعه ی مدنی. تهران: انتشارات طرح نو.
- وزیری، مزده، جهانی، شیدا. (۱۳۸۵). مهمترین و چالش زا ترین وظایف نظام های آموزشی. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، ۱۶۴: (۱۵)

Makedo, S. (۲۰۰۰). Diversity and distrust: civic education in a multicultural democracy. Cambridge, MA: Harvard University press.

Mercola G, Joseph, L. (۲۰۰۲). Optimism may protect against heart disease. Psychosomatic medicine, ۸۲, ۱۰۲-۱۱۱

Osler, A. Starkey, H. (۲۰۰۵). Changing citizenship: democracy and inclusion in education. Maidenhead. open university press.

Roberts ME, Gibbons FX, Gerrard M, Alert MD. Optimism and adolescent perception of skin cancer risk. Health Psychol; ۳۰(۶): ۸۱۰-۳

Rogelberg, S. G., (۲۰۰۷). Encyclopaedia of organizational psychology, by SAGE Publications, Inc.

Taylor, S.E. Kemeny, M.E. el (۲۰۰۰). Reed, G.M. Bower, J. E. and Gruene

Wald, T.L. Psychological Assessment.